

## علل عصیان

### دانشجویان دانشگاههای آمریکا

«فورچون» که یکی از مجلات بزرگ و پرتیراژ امریکا است، کلیه مطالب ۲۰۰ صفحه‌ای شماره ژانویه (۱۹۶۹) خود را، به پژوهش و بررسی درباره علل طغیانهای پی‌در پی دانشجویان امریکائی، اختصاص داده، طی این تحقیق - که با طرقل علمی «پرسشنامه» «مصاحبه» و «مشاهده» انجام گرفته بود - پرده از بسیاری حقایق بر گرفت.

در آخرین صفحات این مجله مقاله مستدلی بقلم معاون سردبیر مجله بعنوان نتیجه این بررسی‌ها شده که ترجمه آن از نظر علاقمندان میگذرد :

#### بزرگترین مشکلاتها

به ما میگویند که شما مستعدترین، آموخته‌ترین و باهوش‌ترین دانشجویانی هستید که تا کنون در این کشور (امریکا) ظهور کرده‌اید، اما چیزی که ما از آن وحشت داریم، این نیست که جامعه ما را طرد کند، میترسیم که ما، این جامعه را نپذیریم.

این اظهار نامه، در مجله ماهانه «فورچون» Fortune مورخ ژانویه (۱۹۶۹) توسط «گریگوری ه. ویرزینسکی» Gregory.H. wierzynski معاون سردبیر مجله، بر مبنای ۲۰۰ مصاحبه، که به کمک «سالی دورست» Sally Dorst صورت گرفته، نوشته شده است. مصاحبه‌شدگان، دانشجویان دانشگاههای مختلف کشور امریکا بودند که باقلیت «چپ‌گرا» مشهورند، اما از آن چپ‌گرایانی که در دانشگاههای مختلف امریکا، شورش و طغیان راه‌انداخته‌اند نیستند.

«ویرزینسکی» بر پایه تحقیقات انجام شده، معتقد است که این اظهار نظرها چکیده افکار عقلائی نسل آینده را تشکیل میدهد.

\* \* \*

ما جامعه کنونی را بداشتن يك قالب فکری منحط متهم میکنیم - قالبی که بی عدالتی، بی عاطفگی، نادرستی و نامردی را تجویز میکند - ما جامعه را - وهمینطور تشکیلات تجاری، دولتی و آموزشی آن را که هدایت کننده جامعه است - متهم میسازیم باینکه هدفی بالاتر از حفظ

وضع موجود ندارد ، و این بسی دور از نویدیک جامعه امریکائی است .

هر طرف که رومیکنیم ، باغرور ، تعصب و تناقض ، مواجه میشویم . در امریکائی که غنی ترین کشور دنیا است ، عده زیادی در فقر بسر میبرند . کشوری که بر مبنای این اعتقاد ، که کلیه انسانها برابرند ، به وجود آمده ، مرتباً حقوق مدنی ، و مجال اقتصادی را ، از مردم سیاهپوست خود ، دریغ میدارد . مملکتی که خود ، زاده انقلاب است اینک نیروی خانمان بر - انداز خود را برای اختناق شورشی که ۸۰۰۰ مایل ، آن طرف تر بر ضد حکومت دست نشانده و آلوده وی قد علم کرده ، بکار میبرد !

جامعه ای که ما می بینیم ، حتی از اصول ترین سنن خود ، انحراف جسته است . قانون اساسی آن ، سخنرانیها و اجتماعات آزاد را تضمین میکند ، با وجود این ، بطور مرتب ، و گاهی اوقات بیرحمانه ، کلیه مخالفان خود را ، بجز آنهائیکه زبون تر و رامتر از همه هستند ، سرکوب مینماید . جامعه ما به اصطلاح باید دمکرات و بر اساس حکومت مردم بر مردم باشد ، معذالک شالوده سیاسی آن نسبت بخواست مردم ، بی اعتنا و غیر مسئول است .

این جامعه معتقد است که به فرد توجه دارد ، مع هذا او را در خدمت و اختیار نهادها و مؤسسات بی تحرك ، قرار داده است

جامعه ای را می بینیم که در آن بزرگتران ما ، در تشریفات اداری بیش از حد سردرگم شده اند ، و در اثر ملالت و کسالت ، بی حس گردیده اند در یک محله مشغول کارند ، و در محله ای دیگر ، سرگرم زندگی ، بدون اینکه به هیچیک از آنها تعلق داشته باشند خلاهای خود را با کالای مادی پر میکنند و ارزشهای انسانی را از یاد میبرند نسبت به آرمانهای خود عبادت زبانی بعمل می آورند ولی نفاق و دورویی را که کاملاً در اطرافشان گسترده است ندیده میگیرند آنها کنترل زندگانی خود را از دست داده اند .

ما میخواهیم که جامعه را بیکه مقیاس انسانی ، برگردانیم ، مقیاسی آنچنان محدود و کوچک که بتوانیم در اخذ تصمیماتی که روی ما اثر میگذارد ، شرکت جوئیم . ما طالب جامعه ای هستیم که در آن مقدرات ما بوسیله زاد و ولد و اوضاع و احوال ، تعیین نشده باشد جامعه ای را خواهانیم که بتواند صفا و راستی و طیب خاطر را ، تحمل کند . میخواهیم کنترل را در زندگانی خود ابقاء نمائیم .

قدرتها در دست شرکتهای صنعتی است

امروز ، متنفذترین قدرتهای اجتماعی ، تشکیلات تجاری بزرگ است . بیشترین نیرو ، در دست ۵۰۰ شرکت صنعتی عظیم ، متمرکز است . آنها ۶۲ درصد از فروش کالاهای صنعتی ، و ۷۳

درصد از سود کشور را جذب میکنند. این شرکتها بالاتفاق در حدود ۱۳ میلیون انسان را استخدام کرده اند که اکثرشان عضو اتحادیه‌هایی هستند که دست در دست مدیریت داده اند. این شرکتها بزرگ، از نقطه نظر تئوری مؤسسات دمکراتیک بوده، در مقابل سهامداران خود مسئولیت دارند، اما در واقع، جوابگوی کسی جز خود نیستند. مدیران، تنها تابع رای مؤسسين شرکتها می باشند.

سال گذشته، گروهی از جوانان عاصی، موفق به کسب ۱۰۰۰ و کالنامه متعلق به شرکت شرکت شیمیایی «داو» Dow شدند تا بوسیله آن در مجمع سالیانه این شرکت حضور یافته و نسبت بتولید بمب‌های «ناپالم» اعتراض کنند. آنها میخواستند که مسئله مورد بحث قرار گیرد، اما بجائی نرسیدند زیرا مقابل آنها سه نفر، که همگی مدیران «داو» بودند، حاضر گردیده، و در حالی که ۲۵ میلیون و کالنامه در دست داشتند، میگفتند که هیچکدام از این سهامداران مخالف ساختن «ناپالم» نیستند.

جامعه ما، دوست دارد که خود را اجتماع «باز» پندارد، اما حقیقت اینست که قدرت سهمگین دستگاههای تجاری بزرگ، در لافه گمنامی و پوشیدگی، قرار دارد در گذشته، فی‌المثل از بابان شرکتهای لاستیک‌سازی، قیافه‌های کاملاً مشخصی بودند. یا همه میدانستند که «راکفلر» سلطان نفت «کارنگی» سلطان فولاد «هریمن» سلطان خط آهن است. اما امروزه چند نفر میدانند که اسامی مدیران شرکتها «جرسی استاندارد» «یو. اس. استیل» «یا پن سنترال» چیست؟ البته اسامی مدیران کل و تصمیم گیرندگان اصلی این شرکتها، جای خود دارد. با این حال همین افراد هستند که زندگانی و رفاه اجتماعی میلیونها انسان را کنترل می‌کنند، اکتشافات منابع ما را به عهده دارند، و فرمان پیشرفته‌های تکنولوژیکی جامعه ما را در دست گرفته‌اند. اینها چه کسانی هستند؟ و چه کسی آنها را انتخاب می‌کند؟

\* \* \*

یأس ما از تشکیلات بازرگانی به همینجا خاتمه نمی‌یابد. ما دستگاههای تجاری فعلی را به فقدان اخلاق، فقدان اخلاق در رفتار و کردار، و فقدان اخلاق در مسئول نداشتن خود متهم میکنیم. طی سالهای گذشته، تشکیلات تجاری، ارزشهای خودش را به اجتماع تحمیل کرده، به تدریج این ارزشها را تا حد مقدمات ارتقاء دادند.

در نتیجه این گونه طرز تلقی‌های خشک مردم خود را قادر نمی‌بینند که، جز در مواقع بحران، بتوانند به جنگ مشکلات برخیزند.

رهبران بازرگانی و سیاسی، سالها بود که شدیداً اخطار میکردند شهر «نیو آرک» در حال انفجار است، مگر هیچ اقدامی به عمل نیاوردهند تا اینکه شهر، عملاً منفجر شد و حتی بعد از این جریان، راه‌حلهایی که پیشنهاد شد، متوجه این هدف بود که علل طغیان را تخفیف دهند نه اینکه ریشه‌اش را برای همیشه از بین ببرند.

دستگاه‌های تجاری، در ساخت و توزیع کالا، سیستم بسیار مؤثری دارند، اما به نادرستی، موفقیت مادی خود را دلیل بر استحکام ارزشهای اخلاقی خود قلمداد می‌کنند بر طبق اصول اخلاق تجارت، کار نه تنها خوب است بلکه لازمست، ثروت، متضمن موفقیت است رقابت، مؤثرترین وسیله برای بیرون کشیدن مساعی افراد است و سود، موتور ماشین رشد و تکامل است.

امام ما معتقدیم که اینگونه ارزشها، با وجود اینکه نسبتاً شایستگی دارند، فقط نیمی از حقایق میباشد. مطمئناً کار، تنها در نان آوردن نیست، و موفقیت فقط در ثروت اندوختن نمیباشد. محله واتس، که جزو نخستین محله‌های شورشی سیاهان بود، خیلی بالاتر از یک محله فقیر نشین بود. اگر موضوع نان و ثروت حقیقت داشت، پس چرا دست به شورش زد؟

رقابت کفونی به صورت یک شته اجتماعی در آمده است. باعث شده که مؤسسات بر پایه اصطکاک و استبداد، عمل کنند، ارزش انسان را از راه درست منحرف میسازد، افراد را نه بر مبنای ارزش انسانیشان، بلکه بر اساس اینکه چقدر میتوانند بایکدیگر چشم هم چشمی نمایند، مورد قضاوت قرار میدهد. رقابت، پر خاشهای جزئی را، با وجودیکه اختلافات فراوانی در میان مردم وجود دارد، دامن میزند.

واضح است که تا وقتی به چنین تلاش رقابت آمیز مذبحانه‌ای؛ مشغولیم هرگز نخواهیم توانست که رؤیای برادری و برابری را در عالم بیداری ببینیم.

## بزرگترین دیوارهای جهان

بزرگترین و طویلترین دیوارهای جهان، دیوار چین است که در عهد «چین شیهه . هوانگ سی» (۲۱۰-۲۴۶) قبل از میلاد درست شده است  
طول این دیوار ۲۷۱۰ کیلومتر و ارتفاع آن از ۴۵ تا ۸۰ متر و  
قطرش ۹۷۵ متر است  
دیوار چین را باید قدیمیترین شاهکار بشری دانست